

روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در پرتو مفهوم عمق استراتژیک

علی باقری دولت‌آبادی^۱

احسان جعفری‌فر^۲

چکیده

در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز کشور جمهوری آذربایجان، با توجه به موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن بر سر راه‌های غرب و شرق از اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل برخوردار است. این رژیم به مدت سه دهه است که روابط با جمهوری آذربایجان را آغاز نموده و در سال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی شده است. سؤال پژوهش این است که جایگاه و نقش این جمهوری در استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی کجاست؟ و این رژیم چه رویکردی نسبت به توسعه روابط با این کشور دارد؟ بر اساس فرضیه پژوهش رویکرد رژیم صهیونیستی نسبت به روابط با جمهوری آذربایجان در قالب مفهوم عمق استراتژیک و رفع نیازهای امنیتی رژیم صهیونیستی قابل فهم است و بر این اساس توسعه روابط با باکو برای تداوم حیات این رژیم حائز اهمیت محسوب می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی برای فائق آمدن بر ضعف‌های ژئوپلیتیکی و نیز دفع تهدیدات نظامی خود به دنبال تبدیل جمهوری آذربایجان به عمق استراتژیک این رژیم در قفقاز جنوبی است تا از این راه قدرت بازدارندگی‌اش در برابر ایران را تقویت نماید. لانه گزینی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و توسعه این روابط در ابعاد نظامی-امنیتی می‌تواند امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده و به دوری ایران از جمهوری آذربایجان و سردتر شدن روابط دو کشور منجر شود. برای انجام پژوهش حاضر از روش تبیینی و شیوه گردآوری داده به روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

▪ واژگان کلیدی:

عمق استراتژیک، امنیت، همکاری‌های نظامی، رژیم صهیونیستی، جمهوری آذربایجان، ایران.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج، چهار محال و بختیاری، جمهوری اسلامی ایران. abagheri@yu.ac.ir

^۲. نویسنده مسئول و دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ehsan_jafari_far@yahoo.com

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی یکی از مناطق حائز اهمیت ژئوپلیتیک در جهان به شمار می‌آید. قفقاز جنوبی راه ارتباطی غرب به شرق و شمال به جنوب است و همچنین حلقه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به شمار می‌آید. این منطقه یکی از کانون‌های پراهمیت انرژی جهان نیز محسوب می‌گردد و بسیاری از خطوط مهم انرژی از این منطقه عبور می‌کند. قرار گرفتن در مجاورت روسیه و رقابت‌های آمریکا با این قدرت جهانی نیز جایگاه این منطقه را ارتقا بخشیده است. در دو دهه گذشته وقوع انقلاب‌های رنگی در این منطقه، جنگ‌های روسیه با گرجستان، جمهوری آذربایجان با ارمنستان و بحث همکاری‌های کشورهای این منطقه با آمریکا و رژیم صهیونیستی پیوسته کانون توجه بین‌المللی بوده است. آنچه در سال‌های اخیر تحولات این منطقه را بر صدر اخبار بین‌المللی نشانده است، بحران قره‌باغ و سیاست‌های جمهوری آذربایجان در این منطقه است. پیگیری این اخبار و تحولات برای ایران که در همسایگی این کشور قرار دارد همواره حائز اهمیت بوده است. این حساسیت به تحولات جمهوری آذربایجان بیش از هر چیز به روابطش با رژیم صهیونیستی بازمی‌گردد. روابطی که اگرچه از سال ۱۹۹۲ آغاز شده اما طی دو دهه اخیر و دوران ریاست جمهوری الهام علی‌اف توسعه بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. از ۲۲ دی ۱۳۸۸ که شهید مسعود علی محمدی، دانشمند هسته‌ای ایران ترور شد تا ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ که خبر سرقت اسناد هسته‌ای ایران توسط رژیم صهیونیستی مطرح شد، نام جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری که در اقدامات ضد ایرانی رژیم صهیونیستی مشارکت داشته است، به‌طور غیر رسمی مطرح بوده است. این حساسیت‌ها طی سال‌های اخیر بیشتر نیز شده است. در آخرین مورد و پس از توقف در مذاکرات احیای برجام روزنامه هآرتس خبر داد که جمهوری آذربایجان اجازه استفاده از پایگاه‌های نظامی این کشور در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را به رژیم صهیونیستی داده است. این روزنامه دست راستی رژیم صهیونیستی تأیید می‌کند که طی هفت سال گذشته، ۹۲ پرواز باری توسط خطوط هوایی سیلک وی^۱ جمهوری آذربایجان در پایگاه هوایی اوودا^۲، تنها فرودگاه رژیم صهیونیستی که ممکن است از طریق آن تجهیزات نظامی به داخل و خارج از کشور پرواز شود، فرود آمده است (Haaretz, 2023). این خبر از آن رو اهمیت دارد که به دنبال قطع امید نتانیاهو از دولت جو بایدن برای متوقف کردن مذاکرات احیای برجام، بار دیگر موضوع اقدام نظامی رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران به صدر

^۱. Silk Way

^۲. Ovda Airbase

اخبار جهانی بازگشته است (Kaye, 2023) و از جمهوری آذربایجان به عنوان کشوری که میزبان هواپیماهای نظامی رژیم صهیونیستی خواهد بود، نام برده می شود. با توجه به اینکه باکو سفارت خود را در تهران در ۹ بهمن ماه ۱۴۰۱ تعطیل نمود و نزدیکی بیشتر به رژیم صهیونیستی می تواند پیامدهای جدی بر همکاری های آتی دو کشور برجای گذارد، سؤالی که مطرح می شود این است که جایگاه و نقش جمهوری آذربایجان در استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی کجاست؟ و این رژیم چه رویکردی نسبت به توسعه روابط با جمهوری آذربایجان دارد؟ بر اساس فرضیه پژوهش رویکرد رژیم صهیونیستی نسبت به روابط با جمهوری آذربایجان در قالب مفهوم عمق استراتژیک و رفع نیازهای امنیتی رژیم صهیونیستی قابل فهم است و براین اساس توسعه روابط با باکو برای تداوم حیات این رژیم حائز اهمیت محسوب می شود. آنچه این اثر را از سایر آثار مشابه داخلی و خارجی متمایز می سازد، تمرکز بر مفهوم عمق استراتژیک و طرح آن برای نخستین بار در تحلیل روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان است. برای انجام پژوهش از روش تبیینی استفاده شده و شیوه گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای بوده است.

مفهوم عمق استراتژیک در ادبیات امنیت بین الملل. مفهوم عمق استراتژیک^۱ یکی از عناصر اصلی ادبیات نظامی است. به طور کلی این مفهوم به فواصل بین خطوط مقدم نبرد و مناطق صنعتی، شهرهای بزرگ و پایتخت، مناطق مرکزی و دیگر مراکز کلیدی جمعیت یا صنایع نظامی اشاره دارد (Harkavy, 2001: 12). به نظر کنث ای. بولدینگ عمق راهبردی به معنای توانمندی بازیگر در جذب یک حمله به درون خاک خود است؛ به طوری که بتواند زیرساخت های سیاسی، کشاورزی، اقتصادی، امنیتی و صنعتی اش را از آسیب محفوظ نگه دارد. مثال تاریخی عمق راهبردی قوی، استفاده شوروی از سرزمین وسیع و ویژگی آب و هوایی خود در دفع حمله نظامی نازی ها در سال ۱۹۴۱ بود. اگرچه آلمانی ها توانستند حومه های شهر مسکو را اشغال کنند، اما همین امر، هفت ماه از آن ها وقت گرفت تا بدین نقطه برسند. این میزان زمان به شوروی این امکان را داد تا دارایی های اساسی و زیرساخت های صنعتی خود را به شرق کوهستان های اورال منتقل کند. در نتیجه، این صنایع توانستند منابع لازم برای ضد حمله های شوروی را فراهم آورند (جعفری، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۱).

از نظر نظامی، کشوری که عمق استراتژیک بیشتری داشته باشد، در مقایسه با کشوری که فضای کمتری دارد، از مزیت بیشتری برخوردار است. عمق استراتژیک یک عامل

¹. Strategic Depth

جغرافیایی است، که طبیعتاً توان دفاعی یک کشور را تقویت می‌کند و از طرف دیگر متجاوز را با چالش‌های بزرگی مواجه می‌کند. این ظرفیت طبیعی قدرت تحمل تهاجم نظامی را تقویت می‌کند و مشکل حفظ توان لجستیک طولانی را بر متجاوز تحمیل می‌کند. بنابراین عمق استراتژیک یک کشور با امنیت ملی آن به‌ویژه در مورد همسایگان متخاصم رابطه مستقیم دارد (Retd, 2015). برای مثال به دلیل اینکه شکل جغرافیایی رژیم صهیونیستی به صورت یک باریکه است، عمق استراتژیک کمی دارد. از نظر نظامی، کمبود بحرانی فضای فیزیکی داخلی، آن را در برابر همسایگان خود بسیار آسیب‌پذیر می‌کند. تجاوز رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ در خلال جنگ شش‌روزه، علاوه بر تسلط بر منابع آبی در بلندی‌های جولان سوریه، خط دفاعی آن را با تصرف اراضی اردن کرانه باختری به سمت مانعی بزرگ، رودخانه اردن، پیش برد. هدف اصلی این جنگ افزایش فضای داخلی رژیم صهیونیستی به منظور ارائه عمق استراتژیک بیشتر به این رژیم بود (Giles, 2023:19).

در اصل، مفهوم عمق استراتژیک به دنبال سنجیدن این مسئله است که منابع قدرت یک دولت تا چه اندازه از متجاوزان بالقوه دور است. کشورها هرچقدر به دلیل فواصل زیاد یا موانع جغرافیایی قابل توجه برای دشمنان، رسیدن به این قلب را دشوارتر کنند، سطح عمق استراتژیک بیشتری دارند. درواقع، توانایی یک دولت برای دفاع یا گسترش عمق استراتژیک خود از زمان‌های قدیم یک نیروی محرکه در ژئوپلیتیک بوده است. دولت‌ها به‌منظور حفاظت از عوامل اقتصادی، سیاسی و جمعیتی که به آن‌ها قدرت و مشروعیت بخشیده است، پیوسته تلاش کرده‌اند از عمق استراتژیک خود دفاع کنند یا گسترش دهند. این مفهوم مبنای سیاست‌های دفاعی و خارجی اکثر قدرت‌های بزرگ بوده و محرک بسیاری از رویدادهای دگرگون‌کننده در تاریخ جهان بوده است که برخی از آن‌ها همچنان بر دنیای امروز ما تأثیر می‌گذارند (Lynch & Saunders, 2020: 45-72). علاوه بر این، نیاز به عمق استراتژیک نشان می‌دهد که جغرافیا چقدر برای قدرت یک دولت مهم است، موضوعی که اغلب توسط کسانی که قدرت نسبی دولت‌ها را در دنیای مدرن اندازه‌گیری می‌کنند، نادیده گرفته می‌شود. حتی درحالی‌که فناوری، سفر و ارتباطات جهان را کوچک کرده‌اند، عمق استراتژیک همچنان نقش مهم خود در قرن ۲۱ را حفظ کرده است. هنوز بسیاری از جنگ‌های جدید نتیجه تلاش یک یا چند دولت برای گسترش عمق استراتژیک و دفاع بهتر است. توازن قوا در جهان امروز از بسیاری جهات ناشی از عمق استراتژیک است (Isa-world, 2018).

طبیعی است ایجاد پایگاه‌های نظامی؛ اعم از اصلی و نیابتی در نزدیکی قلمرو جغرافیایی کشور متخاصم، می‌تواند عمق استراتژیک کشور دارنده آن پایگاه‌ها را افزایش دهد و در مقابل عمق استراتژیک کشور متخاصم را تضعیف نماید. عمق استراتژیک، عاملی مهم در ایجاد توازن قدرت در منازعات بین کشورها بوده است. زیرا عمق استراتژیک و افزایش نفوذ منطقه‌ای رابطه تنگاتنگی با افزایش و تفوق و توازن قدرت دارد (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱-۷۰).

۱. جایگاه و اهمیت عمق استراتژیک در امنیت ملی رژیم صهیونیستی

امنیت ملی تلاشی برای رفع دغدغه حفظ موجودیت دولت، دفاع از شهروندان، منافع حیاتی یک دولت و پیشبرد اهداف ملی است (Shabtai, 2014: 4-5). این دغدغه از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی همواره به مشغولیت ذهنی مسئولان این رژیم تبدیل شده است. کارشناسان امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی براین اعتقادند که مشکل بزرگی امنیتی این رژیم این است که به‌عنوان کشوری کوچک و با ضعف‌های آشکار، فاقد عمق استراتژیک است. لذا توصیه اصلی آن‌ها رفع این ضعف امنیتی و ایجاد عمق استراتژیک بوده است (Abu, 2022). به همین خاطر نیز تقویت برنامه‌های نظامی بازدارنده، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و انتقال میدان جنگ به سرزمین دشمن همواره در صدر توصیه‌های کارشناسان نظامی و امنیتی این رژیم بوده است (Even & Granit, 2009).

در دکترین اصلی حاکم بر تصمیم‌گیری سیاسی رژیم صهیونیستی که در سال ۱۹۴۹ توسط کمیته‌ای به رهبری حیم لاسکوف^۱ از فرماندهان ارتش رژیم صهیونیستی ترسیم شد (Handel, 1973)، آمده است که «اسرائیل از نظر تعداد جمعیت همیشه از دشمنان بالقوه خود در منطقه پایین‌تر خواهد بود. هدف این دکترین جلوگیری از تسلیم شدن نسل‌های بعدی سیاستمداران اسرائیلی به این توهم است که مشکل اصلی درگیری اعراب و اسرائیل، مرز این کشور با این دولت‌ها است. به‌طور خاص، مشکل در حقیقت در موجودیت اسرائیل نهفته است: هدف مخالفان آن چیزی جز نابودی کامل آن نیست» (Tatarinov, 2015: 23-27). این دکترین و سایر راهبرهای امنیتی تأکید می‌کنند که «اسرائیل عمق استراتژیک ندارد (حداقل فاصله از مرز تا دریا فقط ۱۴ کیلومتر است) و باید با دشمنانی که به لحاظ تعداد زیاد هستند جنگ کند، دشمنانی که نابود کردن کامل آن‌ها غیرممکن است. بنابراین

¹. Haim Laskov

هدف اصلی هر جنگی باید ایجاد حداکثر خسارت ممکن به دشمن و در نتیجه وادار کردن آن به پایان دادن به درگیری باشد. علاوه بر این، اقتصاد اسرائیل قادر نخواهد بود هیچ درگیری طولانی مدتی را حفظ کند، بنابراین نیروهای دفاعی اسرائیل باید تلاش کنند در کوتاه ترین زمان ممکن به اهداف ترسیم شده خود برسند» (Shuminov, 2018).

بن گوریون بنیان گذار رژیم صهیونیستی، نخستین رئیس جمهوری بود که در صدد طراحی دکترین امنیت ملی برای این رژیم در دهه ۱۹۵۰ برآمد. دکترین «اتحاد پیرامونی» که توسط وی تدوین شد، هنوز هم تفکر استراتژیک رژیم صهیونیستی را شکل می دهد. این دکترین مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی را «منحصربه فرد، طولانی، تلخ، فراگیر و وجودی» می نگریست و جغرافیای این رژیم را یک «کابوس استراتژیک» می دانست که آن را به «کشوری آسیب پذیر با مرزهای غیرقابل دفاع» تبدیل کرده است. دکترین بن گوریون بر «عدم تقارن استراتژیک با اعراب، از جمله وسعت سرزمینی و جمعیتی، منابع اقتصادی، قدرتمند ماندن، اهداف و قابلیت های نظامی و ضرورت یافتن متحدانی در حلقه دوم همسایگان» تأکید می کرد. پاسخ راهبردی پیشنهادی آن «دولتی همواره مسلح» بود. این دکترین مبتنی بر سه ستون، بازدارندگی، هشدار زود هنگام و تصمیم نظامی و استراتژی دفاعی بود که باید به صورت تهاجمی با انتقال نبرد به قلمرو دشمن اجرا شود. همچنین بر پیگیری صلح به عنوان مهم ترین هدف استراتژیک، نیاز به اتحاد با قدرت های بزرگ در عین خودمختاری استراتژیک، و اهمیت ملت سازی تأکید می کرد (Freilich, 2018). آخرین تلاش برای تدوین سندی مشابه آنچه بن گوریون تدوین کرد در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ توسط کمیسیون مریدور انجام شد؛ اما این پیش نویس مورد تأیید دولت قرار نگرفت و از دستور کار خارج شد (Herzog, 2015).

در تمامی این سال ها رژیم صهیونیستی دکترین رسمی امنیت ملی نداشته است و آنچه پیگیری و اجرا شده است دیدگاه های روسای جمهور در هر دوره برحسب شرایط داخلی و منطقه ای بوده است (Ben Horin & Posen, 1981). به گونه ای که با حضور احزاب افراطی و دست راستی در مسند قدرت شهرک سازی، انجام عملیات ترور، تشدید محاصره غزه و توسعه برنامه های نظامی اهمیت بیشتری یافته و متقابلاً با کمی تعدیل در اصول فوق گزینه صلح با اعراب و ترمیم چهره بین المللی رژیم صهیونیستی در دولت های کارگری و چپ گرا اولویت یافته است. با این حال فصل مشترک دیدگاه های هر دو جناح حاکم بر رژیم صهیونیستی دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان و گروه های مبارز فلسطینی بوده است. به

اعتقاد مقامات رژیم صهیونیستی سیاست‌های فعال ضد رژیم صهیونیستی ایران موجب گردیده تا رژیم صهیونیستی همچون یک «قلعه محاصره‌شده»^۱ در منطقه باقی بماند. حال آنکه رژیم صهیونیستی برای بقا و توسعه باید خود را از این انزوای سیاسی خارج سازد و راه‌هایی برای تأمین امنیت خود بیابد (Cline, 2005). روابط با جمهوری آذربایجان یکی از گزینه‌های رهایی از این انزوا است. این روابط به‌ویژه به هنگام بروز بحران در روابط رژیم صهیونیستی و اعراب اهمیت برجسته‌ای پیدا می‌کند.

در آخرین رخداد سیاسی-نظامی این رژیم که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی شکل گرفت، دولت جمهوری آذربایجان اگرچه در ظاهر خود را حامی جریان مقاومت نشان می‌دهد اما در باطن و با تداوم صادرات نفت به رژیم صهیونیستی حمایت خود را از رژیم صهیونیستی تداوم بخشیده است. حتی خبرهایی در هفته دوم جنگ منتشرشده که گویای این امر بود که جمهوری آذربایجان بخشی از محموله تجهیزات نظامی خریداری‌شده از رژیم صهیونیستی را باز پس فرستاده است تا این رژیم بتواند از آن‌ها در جنگ علیه غزه استفاده نماید (Jamnews, 2023). این در حالی است که حماس در زمره اولین گروه‌های سیاسی بود که پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ و بازپس‌گیری این سرزمین‌ها را تبریک گفت. سامی ابوزه‌ری، سخنگوی حماس در این خصوص گفت: «ما پیروزی جمهوری آذربایجان در نبردها و بازپس‌گیری اراضی اشغالی را تبریک می‌گوییم؛ با نزدیک‌تر شدن جمهوری آذربایجان به حماس، تسلیحاتی که باکو برای استفاده علیه ارمنی‌ها استفاده کرده، ممکن است در خدمت گروه‌های فلسطینی و در راستای تأکید جدید رژیم جمهوری آذربایجان بر همبستگی اسلامی علیه رژیم صهیونیستی به‌کار گرفته شود» (Rubin, 2023). جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان در حالی از راه حل تأسیس دو کشور فلسطین و رژیم صهیونیستی در کنار هم حمایت می‌کند که بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو، تعداد فزاینده‌ای از رژیم صهیونیستی‌ها شروع به تردید در امکان‌سنجی راه‌حل دو کشوری کرده‌اند و تنها ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که می‌توان به همزیستی مسالمت‌آمیز بین رژیم صهیونیستی و فلسطین دست یافت. این نشان‌دهنده کاهش ۱۵ درصدی نسبت به یک دهه قبل و کمترین رقم تا به امروز است (Baniya, 2023).

^۱. besieged fortress

آنچه موجب توجه به مفهوم عمق استراتژیک در ادبیات سیاسی-امنیتی رژیم صهیونیستی می‌شود نیاز به ایجاد فاصله فیزیکی بین تهدید و چیزی که باید از آن محافظت شود است. سِت کراپسی^۱ در توضیح وضعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی به دو نوع عمق استراتژیک اشاره می‌کند: عمق استراتژیک در داخل و عمق استراتژیک در خارج. مقصود از عمق استراتژیک در داخل وجود فاصله طولانی از دشمن و موانعی برای رسیدن آن به پایتخت است. مثال بارز این عمق استراتژیک روسیه است. هنگامی که ناپلئون در ژوئن ۱۸۱۲ با ۶۰۰ هزار سرباز برای تصرف روسیه حرکت کرد پس از گذر از موانع طبیعی تنها با ۱۰۰ هزار سرباز به مرز این کشور رسید و به هنگام عقب‌نشینی تنها ۳۰ هزار سرباز برای او باقی‌مانده بود. این تعداد سرباز پس از عبور از رودخانه نمان^۲ به ۱۰ هزار نفر کاهش یافت. زمان، مسافت، امتناع روسیه از جنگیدن، گرسنگی و سرما، مزایای عملیاتی را فراهم آوردند که به روسیه اجازه داد یک ژنرال بزرگ و نیرومندترین ارتش اروپا را شکست دهد. فقدان چنین مزیت‌هایی باعث گردید رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۶۷ اطمینان حاصل کند که هرگونه اقدام نظامی علیه دشمنانش باید مبتنی بر ضربه اول باشد و جنگ نباید به داخل سرزمین‌های این رژیم کشیده شود. اشغال مناطق فتح‌شده در سال ۱۹۶۷ عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی را افزایش داد و تفکر استراتژیک این رژیم را متحول کرد (Cropsey, 2014). در آن مقطع بسیاری از استراتژیست‌ها استدلال می‌کردند که ارتش رژیم صهیونیستی اکنون می‌تواند حالت دفاعی اتخاذ کند، اولین ضربه را جذب کند و سپس با حمله متقابل پاسخ دهد.

جنگ اکتبر ۱۹۷۳ نشان داد که این تفکر حداقل تا حدی درست است؛ اما زمانی که شارون در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان وزیر دفاع منصوب شد، از بازگشت رژیم صهیونیستی به استراتژی تهاجمی قبل از ۱۹۶۷ حمایت کرد. شارون استدلال کرد که افزایش مکانیزاسیون و تحرک ارتش‌های عربی، همراه با افزایش برد سامانه‌های موشکی زمین به زمین عربی^۳، موانع راهبردی و سیستم‌های هشدار پیشرفته در اختیار رژیم صهیونیستی را بی‌اثر کرده است؛ بنابراین رژیم صهیونیستی با همان تهدیدی روبرو است که قبل از سال ۱۹۶۷ وجود داشت. بنابراین باید انجام حملات پیشگیرانه و پیش‌دستانه علیه تهدیدات احتمالی اعراب در اولویت قرار گیرد. پس از تهاجم سال ۱۹۸۲ به لبنان، که شارون مسئول آن بود، از

1. Seth Cropsey

2. Neman River

3. surface-to-surface missile systems (SSM)

محبوبیت استراتژی تهاجمی امنیت ملی که او از آن حمایت می‌کرد، کاسته شد. با این حال، استفاده عراق از سامانه‌های موشکی زمین به زمین در جنگ علیه ایران و خریداری سامانه‌های دوربرد توسط عربستان سعودی از چین، بار دیگر مفاهیم تهدید گسترده و عملیات پیش‌دستانه را به لیست استراتژی‌های رژیم صهیونیستی بازگرداند (Country Data, 1988). در قالب استراتژی فوق پیگیری یک نیروی دریایی قوی که قادر به خلق عمق استراتژیک برای رژیم صهیونیستی باشد از جمله توصیه‌های کارشناسان نظامی و امنیتی طی سال‌های اخیر بوده است. به اعتقاد آن‌ها عمق استراتژیکی که مدیترانه ارائه می‌دهد، نقش مهمی در دفاع از رژیم صهیونیستی ایفا خواهد کرد (Cropsey, 2014). علاوه بر با پیچیده‌تر شدن تهدیدات و گستردگی آن، یافتن عمق استراتژیک از نوع دوم اهمیت خود را بیش از قبل نشان داد.

نوع دوم عمق استراتژیک در خارج از مرزهای یک دولت به‌ویژه در کشورهای کوچکی قرار دارد که بین دشمن و سرزمینی که باید از آن دفاع شود، ایجاد فاصله می‌کنند (Cropsey, 2014). این کشورها می‌توانند این فرصت را در اختیار کشور (الف) قرار دهند تا دفاع از خود را در خط مرزی (ب) آغاز کنند و هر زمان لازم شد عملیات نظامی و یا خرابکاری و جاسوسی در آن سرزمین اجرا کنند. آنچه توجه به این بعد از عمق استراتژیک را نزد مقامات تل‌آویو برجسته‌تر می‌سازد، فقدان عمق استراتژیک از نوع داخلی در رژیم صهیونیستی است (Giles, 2023: 18). گروه‌های دست راستی در رژیم صهیونیستی بر این اعتقادند که عمق سرزمینی کلیدی برای تأمین امنیت این رژیم است و رژیم صهیونیستی باید درصدد تأمین آن برآید (Giles, 2023: 7).

آنچه اهمیت عمق استراتژیک برای رژیم صهیونیستی را بیشتر ساخته است دستیابی ایران به چنین مؤلفه‌ای در غرب آسیا و به‌طور خاص سوریه است. رهبر ایران اولین بار در سال ۱۳۸۷ و سپس در جریان بحران سوریه در سال ۱۳۹۲ از این مفهوم استفاده کردند و پس از آن، این واژه به یکی از سرفصل‌های برنامه‌های سیاسی- نظامی ایران در منطقه و جهان تبدیل شد. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص بیان داشتند «در نگاه به مسائل منطقه، انسان متوجه یک موضوعی می‌شود و آن، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در این مناطق است. یکجایی یک حوادثی است که می‌تواند مثل ریشه و میه‌ی استحکام یا ریسمان‌های نگه‌دارنده‌ی خیمه، برای داخل کشور به حساب بیاید؛ این‌ها عمق راهبردی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۵/۶). معظم له در سال ۱۳۹۳ در تشریح این مفهوم افزودند «ما در بیرون

کشور هم‌ظرفیت‌های مهمی داریم؛ طرفدارانی داریم، عمق راهبردی داریم؛ در منطقه، در کشور؛ بعضی به خاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان، بعضی به خاطر مذهب شیعه؛ این‌ها عمق راهبردی کشور هستند؛ این‌ها جزء توانایی‌های ما هستند؛ از همه‌ی این توانایی‌ها باید استفاده کنیم. فقط هم در منطقه نیست، ما در آمریکای لاتین عمق راهبردی داریم، در قسمت‌های مهمی از آسیا عمق راهبردی داریم، امکانات استفاده داریم؛ از این‌ها بایستی استفاده کنیم، این‌ها کشور را قوی خواهد کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۶/۱۳۹۳).

در واکنش به این راهبرد سیاسی-امنیتی تهران، رژیم صهیونیستی درصدد یافتن کشورهایی برای تبدیل‌شدن به عمق استراتژیک برآمد. در بین همسایگان ایران کشورهای واقع در منطقه قفقاز بیشترین ظرفیت را برای ایفای چنین نقشی برای رژیم صهیونیستی داشتند و برای این رژیم یک دارایی استراتژیک به حساب می‌آمدند (Geifman & Course, 2013). چراکه این کشورها از دهه ۱۹۹۰ میلادی به برقراری روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کرده بودند. تا پیش از جنگ ۲۰۰۸ روسیه با گرجستان این کشور به یکی از مقصدهای همکاری‌های نظامی-امنیتی تل‌آویو در قفقاز تبدیل‌شده بود؛ اما ناکامی در این جنگ، حساسیت روسیه نسبت به تحولات این کشور و چرخش‌های سیاسی مکرر در تفلیس نشان داد گرجستان گزینه مطلوبی برای رژیم صهیونیستی نیست. بنابراین خیلی زود جمهوری آذربایجان جای گرجستان را در استراتژی‌های امنیت ملی رژیم صهیونیستی برای تبدیل‌شدن به عمق استراتژیک این رژیم گرفت. برای فهم این تحول گذری بر روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان سودمند خواهد بود.

۲. روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان

روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی با سفر معاون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به باکو در سال ۱۹۹۲ آغاز شد. اوج توسعه روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی در زمان جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ، دومین رئیس‌جمهور آذربایجان، بود. در این دوره رژیم صهیونیستی سفارت خود را در این کشور به سطح سفیر ارتقا داد و از نظر سیاسی در زمینه‌های آموزش دیپلماتیک، روزنامه‌نگاری، خبرگزاری و احزاب سیاسی با جمهوری آذربایجان همکاری کرد. روابط دو طرف در زمان حیدر علی‌اف، سومین رئیس‌جمهور آذربایجان نیز ادامه پیدا کرد؛ ازجمله اینکه در طول سال‌های ۹۵-۱۹۹۴، ۲۵ دیپلمات آذربایجانی برای گذراندن دوره‌های روابط بین‌الملل در وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، عازم تل‌آویو شدند (اکبری و غنی زاده، ۱۳۹۹: ۱۴۴). این روابط در اوت ۱۹۹۷

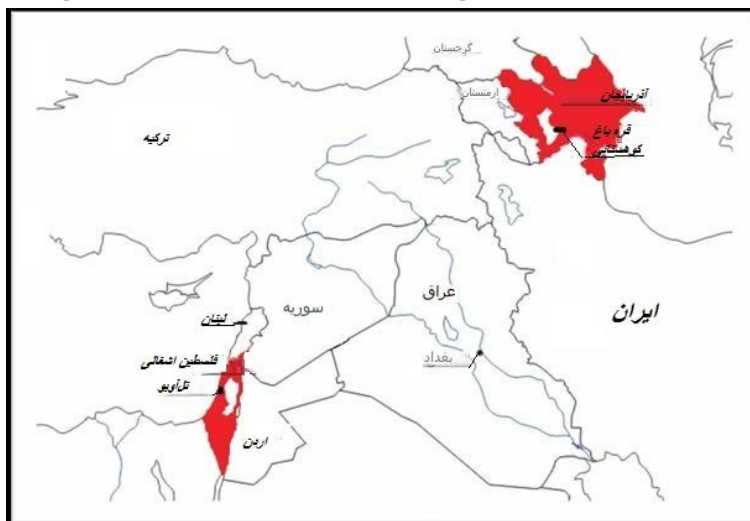
و در جریان سفر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، به باکو وارد مرحله جدیدی شد. از آن زمان رژیم صهیونیستی روابط نزدیک‌تری با جمهوری آذربایجان برقرار کرده و به یکی از شرکای اصلی تجاری این کشور تبدیل شده است. به‌نحوی که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، رژیم صهیونیستی از دهمین شریک تجاری بزرگ جمهوری آذربایجان به پنجمین شریک تجاری ارتقا یافت. در این مبادلات تجاری سهم انرژی و تسلیحات بسیار برجسته بود. به‌نحوی که جمهوری آذربایجان با تأمین حدود ۴۰ درصد نفت خام رژیم صهیونیستی به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت رژیم صهیونیستی تبدیل گردید (Sloame, 2022).

اواخر ژوئن ۲۰۰۹ در دوره الهام علی‌اف، شیمون پرز، رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی، به باکو سفر کرد. در طی این سفر دو طرف توافق‌نامه‌هایی را در زمینه‌های مختلف به امضاء رساندند. از جمله محورهای این توافق‌نامه‌ها همکاری‌های نظامی-امنیتی بود. از یک‌سو رژیم صهیونیستی توسعه نفوذ در قفقاز و نزدیک بودن به مرزهای ایران را یک مزیت جغرافیایی در نظر داشت و از سوی دیگر جمهوری آذربایجان در صدد بازپس‌گیری قره‌باغ از ارمنستان بود و تحقق این خواسته دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات نظامی رژیم صهیونیستی را الزامی می‌ساخت (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۲). بنابراین در فوریه ۲۰۱۲، رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان قراردادی را امضا کردند که بر اساس آن صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی ۱/۶ میلیارد دلار پهباد هاروپ و سامانه‌های دفاع ضد هوایی و موشکی به جمهوری آذربایجان می‌فروخت (Sloame, 2022). در همین راستا موشه یعلون، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در سپتامبر ۲۰۱۴ سفری دو روزه به جمهوری آذربایجان انجام داد که اولین سفر وزیر دفاع رژیم صهیونیستی به این کشور از زمان برقراری روابط دیپلماتیک دو طرف بود. از آن‌پس تعداد این دیدارها افزایش یافته است، تا جایی که می‌توان گفت روابط نظامی-سیاسی دو طرف از حالت همکاری خارج و به مرحله مشارکت استراتژیک ارتقا یافته است (Ismayilov, 2013: 69-76).

از آن زمان این شایعه نیز گسترده شد که در تمام طول این مدت جمهوری آذربایجان در کلیه اقدامات ضدایرانی رژیم صهیونیستی از ترور دانشمندان هسته‌ای گرفته تا عملیات نفوذ و سرقت اسناد هسته‌ای ایران، مشارکت داشته است، به‌نحوی که عملاً باکو تبدیل به یکی از پایگاه‌های جاسوسی و خرابکاری علیه ایران در منطقه تبدیل شده است. اقدامی که البته از چشم مقامات تهران نیز پنهان نمانده و آن را اقدامی غیر سازنده در توسعه روابط دو کشور توصیف کرده‌اند. آنچه اکنون بر روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان حاکم است

به گفته بنی گانتز وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی یک «روابط راهبردی» و منطبق با تحولات جدید خاورمیانه پس از توافق صلح ابراهیم است (Sloame, 2022).

نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی



Source: ICWA(2017), Israel and Azerbaijan Relation: A Strategic Compulsion, available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=5042&lid=771

اهمیت جمهوری آذربایجان برای رژیم صهیونیستی. به طور کلی اساس سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز بر هفت محور زیر استوار است:

کسب امنیت و توانایی بازدارندگی؛ کسب مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با جمهوری‌های مسلمان منطقه؛ تلاش برای ارتقای موقعیت یهودیان و تسهیل مهاجرت آنان به سرزمین‌های اشغالی؛ جلوگیری از توسعه روابط جمهوری‌های قفقاز با ایران و نفوذ الگوی حکومتی ایران بر منطقه؛ حضور در مرزهای شمالی ایران و ایجاد نگرانی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران؛ تأثیرگذاری جهانی بانفوذ بر کشورهای دارای ذخایر انرژی؛ ایجاد حیاط خلوت در منطقه برای انجام اقدامات نظامی (اکبری و غنی زاده، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

در این زمینه باید گفت با توجه به اینکه اولویت اصلی رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون، مسئله بقاء بوده است، دکترین بازدارندگی به عنوان مهم‌ترین دکترین امنیتی در دستور کار این رژیم قرار گرفته و هر اقدام نظامی و سیاسی که بتواند این دکترین را تقویت سازد، مورد تأکید قرار می‌گیرد. این استراتژی علاوه بر اینکه بر قابلیت‌های نظامی

همچون ضربه اول و دوم مبتنی است بر رویکردهای سیاسی-جغرافیایی همچون نزدیکی به قلمرو دشمن و به کارگیری نیروی نظامی کوبنده و قاطع و ضربات پیشگیرانه و کشاندن جنگ به خاک دشمن استوار است (خدیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰) اهمیت منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان دقیقاً در همین بخش خود را نشان می‌دهد. جمهوری آذربایجان در زمره کشورهایی است که این قابلیت را دارد که در همکاری نزدیک با ترکیه به رژیم صهیونیستی کمک نمایند تا استراتژی پیرامونی بن گوریون را پیاده ساخته و رژیم صهیونیستی را از انزوای جغرافیایی نجات دهند (الهی نیا و حمزه، ۱۴۰۱: ۶۴). بنابراین نگاه رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور شیعی همسایه ایران، نگاهی کاملاً استراتژیک است. اهداف رژیم صهیونیستی از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱) بهره‌برداری از یهودیان آذربایجان به عنوان جامعه‌ای که می‌توان به وسیله آن‌ها در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آذربایجان نفوذ کرد تا یهودیان به عنوان حافظان منافع اسرائیل در آن کشور فعالیت کنند؛ ۲) استفاده از تهدیدهای مشترک دوجانبه و چندجانبه و توسل به ترفندهای سیاسی و تبلیغاتی همچون بزرگ‌نمایی تهدید ایران و اسلام‌گرایی در آذربایجان و منطقه؛ ۳) به کارگیری ابزارها و شیوه‌های فرهنگی: برگزاری فستیوال فیلم اسرائیل در باکو و همچنین برپایی نمایشگاه‌های کتاب برای کودکان و بزرگسالان به مناسبت‌های مختلف. برگزاری تورهای بازدید از اسرائیل توسط آژانس‌ها و وابسته فرهنگی اسرائیل در باکو با هزینه‌های سفارت اسرائیل جهت آشنایی جوانان مسلمان آذری با صنعت، پیشرفت و توسعه دموکراتیک جامعه رژیم صهیونیستی و انتقال تجربیات به آذری‌ها، تأسیس جمعیت دوستی جوانان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی باهدف توسعه بخشیدن به ارزش‌های تاریخی ملی و معنوی میان دو ملت، درحالی‌که در عمل هیچ‌گونه تاریخ مشترکی میان مردم یهودی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان وجود نداشته است (Caspian Weekly, 2008؛ ۴) بهره‌گیری از اختلافات داخلی جمهوری‌های سابق شوروی، مانند اختلاف جمهوری آذربایجان و ارمنستان به عنوان ابزاری جهت توسعه و نفوذ خود در این کشورها؛ ۵) بهره‌برداری از احساسات قومی و ملی‌گرایی؛ ۶) جذب نخبگان اقتصادی و سیاسی جمهوری آذربایجان؛ ۷) بهره‌برداری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی جمهوری آذربایجان علیه ایران؛ ۸) بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی رژیم صهیونیستی در راستای بازسازی اقتصاد داخلی و استفاده از نفوذ رژیم صهیونیستی در

بازارهای منطقه‌ای و جهانی؛ ۹) تأمین نیازهای انرژی رژیم صهیونیستی و؛ ۱۰) به دست آوردن اهرم نفوذ در برابر روسیه به‌ویژه در سوریه.

بنابراین می‌توان گفت که روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در جهت ایجاد محدودیت برای کشورهای چون ایران و روسیه قابل تحلیل است. در گزارش‌هایی که سازمان سیا و وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی منتشر کرده‌اند، توصیه شده است که تلاش‌های رژیم صهیونیستی در جمهوری‌های به‌جامانده از اتحاد شوروی باید به مسیری هدایت شود که سبب محدودیت نفوذ ایران و روسیه در این مناطق شود. در این گزارش‌ها از جمهوری آذربایجان به‌عنوان کوبای آمریکا در قفقاز نامبرده شده است. این گزارش باهدف‌های جمهوری آذربایجان هماهنگ است. زیرا این کشور از همان ابتدای شکل‌گیری، امنیت خود را در خروج از دامنه نفوذ روسیه و پیوستن و همکاری با غرب جست‌وجو کرده است. برای مسئولان جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی در نقش دروازه ورود به غرب است (جوان پور هروی و جعفری فر، ۸۸: ۱۳۹۷). وجود چنین نگاه‌هایی از سوی باکو عملاً راه را برای هرگونه مداخله و اعمال نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان باز کرده است. این وابستگی به‌ویژه پس از بحران قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و اتکای جمهوری آذربایجان به کمک‌های نظامی رژیم صهیونیستی در برابر ارمنستان بیشتر شده است. در ادامه به ابعاد مختلف این همکاری پرداخته می‌شود.

۳. همکاری‌های نظامی - امنیتی دو کشور

ماهیت غیرطبیعی رژیم صهیونیستی در تشکیل، تثبیت و توسعه و همچنین عدم روند طبیعی دولت-ملت سازی موجب شده است تا از بدو اعلام استقلال (۱۹۴۷) تاکنون با بحران‌های امنیتی و سیاست خارجی متکثری دست‌وپنجه نرم کند. مسئله امنیت برای رژیم صهیونیستی از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی از تحلیل‌گران براین باورند که رژیم صهیونیستی به جای سیاست خارجی از سیاست امنیتی برخوردار است (خدیمی و همکاران، ۸۱: ۱۳۹۹). جایگاه جمهوری آذربایجان نزد رژیم صهیونیستی به‌منزله چشمی بیدار برای نظارت بر ایران است و این رژیم مرزهای جمهوری آذربایجان با ایران را طبق دیدگاه عمق استراتژیک مرزهای خود می‌پندارد. پیوند استراتژیک کنونی بین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان عملاً پس از جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ و در زمانی شکل گرفت که گرجستان و جمهوری آذربایجان، برخلاف ارمنستان، بیشتر به سمت ناتو متمایل شدند.

یکی از ابعاد برجسته روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان ارسال هشدارهای نظامی به همسایگان جمهوری آذربایجان به‌ویژه ایران است. توسعه این روابط پیوسته به‌عنوان نمادی از اصل بازدارندگی در برابر ایران در داخل رژیم صهیونیستی ترسیم‌شده است (Harkham, 2015). مایکل روبین، عضو برجسته موسسه امریکن اینترپرایز، این روابط را برخاسته از واقع‌گرایی و ضرورت استراتژیک حاکم بر تصمیم‌گیری در رژیم صهیونیستی توصیف کرده است (Rubin, 2022). توانایی استفاده از میدان‌های هوایی جمهوری آذربایجان «سرمایه‌ای استراتژیک و قابل توجه» برای هرگونه حمله رژیم صهیونیستی علیه ایران محسوب می‌گردد که می‌تواند سفر ۲۲۰۰ مایلی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی و بازگشت دوباره آن‌ها را ۸۰۰ مایل کوتاه سازد. به گفته ژنرال جوهور، فرمانده سابق سنتکام^۱ این دسترسی اگرچه لزوماً «تضمین نمی‌کند که اسرائیل به ایران حمله کند، اما مطمئناً او را در انجام این خواسته توانمندتر می‌سازد» (Perry, 2012). موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در سال ۲۰۱۱، نوشت که ارتش جمهوری آذربایجان دارای چهار میدان هوایی متروک و متعلق به دوره اتحاد جماهیر شوروی است که می‌تواند در دسترس رژیم صهیونیستی قرار گیرد (Haaretz, 2012). از سال ۲۰۱۲ گزارش‌هایی مبنی بر صدور اجازه دسترسی به پایگاه‌های نظامی جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی منتشرشده است (Kucera, 2012). سال ۲۰۱۶، مجله فارین پالیسی از اتحاد عمیق‌تر بین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان و رسیدن به توافق در خصوص استفاده از فرودگاه‌های جمهوری آذربایجان در صورت تصمیم برای حمله نظامی به ایران خبر داد (Pérez, 2020). این گزینه زمانی برجسته‌تر گردیده که بین سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در خصوص چگونگی اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اختلاف ایجاد گردید و گزینه دیپلماسی گزینه اول دولت آمریکا در دولت اوباما شد. در چنین بزنگاه‌هایی جمهوری آذربایجان نشان داد که می‌تواند در کنار رژیم صهیونیستی قرار گیرد و این رژیم را در صورت تمایل به اقدام نظامی یاری دهد.

صرف‌نظر از موضوع مورد ادعای هم‌نوایی و همکاری‌هایی که جمهوری آذربایجان در ترور دانشمندان هسته‌ای در این سال‌ها با رژیم صهیونیستی نشان داده است، خاک این کشور به مبدأ پرواز پهپادهای جاسوسی رژیم صهیونیستی نیز تبدیل شده است. ایران حداقل در یک نوبت یکی از پهپادهایی که از داخل خاک جمهوری آذربایجان به پرواز درآمده و وارد قلمرو

^۱. CENTCOM

سرزمینی‌اش شده بود را سرنگون کرده است (Melman, 2016). این پهنپادها از نوع هرمس ۱۸۰^۱ هستند که رژیم صهیونیستی به صورت مشترک آن را با جمهوری آذربایجان تولید می‌کند. به گفته منابع محلی «جمهوری آذربایجان با آگاهی از سیاست نظامی خود، با رژیم صهیونیستی بررسی کرده است که چگونه پایگاه‌های هوایی این کشور و پهنپادهای جاسوسی ممکن است به جت‌های رژیم صهیونیستی برای انجام یک حمله دوربرد کمک کنند. با توجه به نقاط ضعف کلیدی هر طرح جنگی رژیم صهیونیستی - به ویژه در مورد سوخت‌گیری، شناسایی و نجات خدمه - چنین اتحادی ممکن است تفکر رژیم صهیونیستی را در مورد امکان‌پذیری اقدام بدون کمک ایالات متحده تغییر دهد» (Grove, 2102). گزارش‌های جدید نهادهای اطلاعاتی غرب نشان می‌دهد که این کشور حتی نقش مؤثری در ریاست جمهوری نتانیاهو برای انتقال اسناد هسته‌ای به سرقت رفته ایران در سال ۲۰۱۸ به خاک این رژیم ایفا کرده است (Melan, 2020). مایکل روبین در خصوص این همکاری‌ها معتقد است «خدمات جمهوری آذربایجان به عنوان سکوی پرش اسرائیل در جنگ در سایه علیه ایران بسیار مهم است. جمهوری آذربایجان به اسرائیل و آمریکا اجازه تأسیس پایگاه‌های استراق سمع - اگر نگوییم دسترسی به قلمرو سرزمینی‌اش - به منظور هدایت عملیات جاسوسی علیه ایران داده است» (Rubin, 2022).

برگ برنده رژیم صهیونیستی برای دریافت چنین خدمات قابل توجهی، نیاز جمهوری آذربایجان به تسلیحات نظامی و داشتن متحدی برای بحران قره‌باغ (Periodicos, 2013)، تنوع بخشیدن به تسلیحات و کاهش وابستگی به روسیه، دفاع از میدان‌های نفتی و گازی فراساحلی خود در دریای خزر در برابر تهدیدات احتمالی، تقویت توان دفاعی (Delanoe, 2020)، مهار نفوذ فرهنگی ایران در بین شیعیان آذری و پیگیری دعوای ارضی و قومی این کشور نسبت به استان‌های هم‌جوارش در خاک ایران بوده است. در تمامی موارد فوق تل‌آویو با دیدگاه‌های جمهوری آذربایجان هم‌نظر بوده است. به همین خاطر ضمن تجهیز باکو برای اقدام نظامی در تصرف قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ از اعمال فشار بر تهران و سوق دادن آن به سمت تجزیه استقبال نموده است. در حال حاضر همکاری‌های نظامی به بخش اصلی این اتحاد تبدیل شده است. جمهوری آذربایجان به صورت تدریجی و آرام بودجه نظامی خود را افزایش داده است به طوری که از ۲/۴ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۲ به ۵/۳۹ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است (Macrotrends, 2021). این همکاری‌ها طیف گسترده‌ای

^۱. Hermes 180

از اقدامات یعنی خرید تجهیزات نظامی، خدمات آموزشی، تولید تحت لیسانس و برنامه‌های ارتقا و به‌روزرسانی تجهیزات را شامل شده است.

جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین قرارداد نظامی خود با رژیم صهیونیستی را منعقد کرد. این قرارداد شامل موشک‌های ضد کشتی گابریل^۱، موشک‌های ضدتانک-ضدسنگر اسپایک^۲، سیستم دفاع هوایی باراک^۳، رادارهای پیش‌اطار و سامانه رادار هوایی گرین پین^۴، ارتقای تانک‌های مدل‌های تی ۷۲ و تی ۶۲، تجهیزات الکترونیکی و حفاظتی رژیم صهیونیستی و خرید گنبد آهنین بود (Thehill, 2017). باکو از سال ۲۰۱۳ شروع به ساخت کشتی جنگی ملی کرد که در اجرای این پروژه نیز رژیم صهیونیستی نقشی اساسی ایفا کرده است. به‌طور کلی جمهوری آذربایجان روی تجهیزات و سیستم‌های دفاعی رژیم صهیونیستی حساب ویژه‌ای باز کرده است. در این زمینه موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم^۵ گزارش داده است که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، ابتدا روسیه و سپس رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات به جمهوری آذربایجان بوده‌اند. طبق این گزارش صادرات تسلیحات رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان ۱۷ درصد از کل صادرات تسلیحات این رژیم را بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ تشکیل می‌دهد (Shokri, 2021). دولت جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، حدود، بیش ۲/۶ میلیارد دلار برای اهداف دفاعی و امنیت ملی اختصاص داده است (Bhattacharjee, 2017). به گفته وزارت دارایی جمهوری آذربایجان، بودجه دفاعی این کشور تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۲/۸ میلیارد دلار خواهد رسید (Eurasianet, 2022) آنچه به باکو برای دنبال کردن برنامه‌های بلندپروازانه نظامی کمک کرده است درآمدهای نفتی این کشور است. جمهوری آذربایجان به‌عنوان یکی از تولیدکننده بزرگ نفت جهان بیش از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در ارتش سرمایه‌گذاری می‌کند (Karimli, 2022). در سال ۲۰۲۱، تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۴/۶ میلیارد دلار بود که به نسبت سال ۲۰۲۰، ۵/۶ درصد رشد داشت و آن را در رتبه ۸۹ در میان ۱۹۶ کشور جهان جای داد (Karimli, 2022). یکی از خریداران بزرگ نفتی جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی است. این معامله برای دو طرف سودمند است.

^۱. Gabriel

^۲. Spike

^۳. Barak

^۴. Green Pine

^۵. SIPRI

اورشلیم میلیاردها دلار تجهیزات نظامی به باکو می‌فروشد و متقابلاً حدود ۴۰ درصد از نیازهای نفتی خود را از جمهوری آذربایجان تأمین می‌کند (Rubin, 2020).

تأثیر این همکاری نظامی در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ بسیار برجسته بود. جنگ مذکور دو مرحله داشت. مرحله اول در ۱۲ ژوئیه با حملات ارتش جمهوری آذربایجان در منطقه مرزی طووز آغاز شد که به دنبال بر هم زدن امنیت کریدور انرژی و ترانزیتی شرق-غرب بود که از این منطقه می‌گذرد. در این مرحله تسلیحات رژیم صهیونیستی، به‌ویژه هواپیماهای بدون سرنشین هاروپ و بمب‌های خوشه‌ای نقش مهمی در پیروزی اولیه ایفا کردند (Edwards, 2020). در مرحله بعدی جنگ که در ۲۷ سپتامبر آغاز شد، محصولات تولیدشده جمهوری آذربایجانی با فناوری رژیم صهیونیستی، سامانه‌های دفاعی و نیز موشک‌های ضدتانک-ضدسنگر اسپایک نقش مؤثری در نبرد ایفا کردند. جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان، در مصاحبه‌ای با یک روزنامه رژیم صهیونیستی در آوریل ۲۰۲۱ گفت: «استفاده ماهرانه از سلاح‌ها پیشرفته و با دقت بالا، از جمله سلاح‌های ساخته‌شده در اسرائیل ویژه هواپیماهای بدون سرنشین، توسط جمهوری آذربایجانی‌ها نقش فوق‌العاده‌ای در پیروزی جمهوری آذربایجان داشتند» (Shaffer, 2022:10).

در سپتامبر ۲۰۲۳، جمهوری آذربایجان یک حمله نظامی جدید را برای بازپس‌گیری منطقه جداشده قره‌باغ که عمدتاً ساکنان آن ارمنی بودند، آغاز کرد. اگرچه این عملیات نقض آتش‌بس سال ۲۰۲۰ بود، اما در حالی برای تصرف قره‌باغ آغاز شد که روسیه در اوکراین گرفتار شده بود و عملاً علاقه‌ای به اجرای مأموریت خود به‌عنوان ضامن صلح توافق‌نامه‌های ۲۰۲۰ نداشت. انفعال سازمان ملل در قبال این بحران و تمرکز بر مسئله اوکراین نیز دولت باکو را در پیگیری خواسته خود راسخ‌تر ساخت. پس از پیروزی سریع نظامی جمهوری آذربایجان بر ارتش نه‌چندان قوی و منسجم ارمنستان، ۱۲۰.۰۰۰ ساکنان ارمنی این مناطق از ترس جان خود فرار کردند (Ratelle, 2023) و جمهوری آذربایجان توانست ادعای تاریخی خود بر این سرزمین‌ها را تثبیت سازد. نتیجه‌ای که موردپذیرش همسایگان این کشور و بالاجبار دولت ارمنستان نیز قرار گرفت و توافق آتش‌بس در میان آن‌ها منعقد شد. برقراری آرامش در این مناطق و ضعیف شدن احتمال جنگ دیگری با ارمنستان یکی از موضوعاتی است که بر روابط باکو-تل‌آویو تأثیر خواهد گذاشت. دولت الهام علی‌اف تمام تلاش خود را نمود تا از فرصت پیش‌آمده برای تصرف دالان زنگزور نهایت استفاده را ببرد اما پاسخ قاطع ایران مبنی بر مخالفت با هرگونه تغییر ژئوپلیتیک منطقه و مرزها، باکو را از خواسته خود

منصرف ساخت. آنچه بر آینده منطقه سایه خواهد افکند اجرای پیشنهاد دالان صلح ایران است که تا اینجا طرف جمهوری آذربایجانی موافقت خود را با آن ابراز داشته است. به نظر می‌رسد با اجرای این پیشنهاد، ایران اهرم قابل توجهی برای فشار بر جمهوری آذربایجان برای مدیریت روابط خود با رژیم صهیونیستی و جلوگیری از باز کردن بیشتر پای تل‌آویو به منطقه پیدا نماید. رژیم صهیونیستی نیز در موقعیت و شرایطی نیست که بتواند خواسته‌های خود را بر باکو تحمیل نماید و این کشور را از ایران دور سازد. پس از تحولات تابستان و پاییز ۲۰۲۳ در منطقه قره‌باغ و غرب آسیا روشن گردید، ایران نسبت به آنچه در پیرامون خود و حتی غرب آسیا می‌گذرد، بی‌توجه نیست و از تمامی ابزارهای و اهرم‌های خود برای تأمین منافع ملی‌اش استفاده می‌نماید.

۴. تأثیر بر امنیت ملی ایران

هر زمان که بنیامین نتانیاهو به نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی رسیده است، روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی تحول و توسعه جدیدی را تجربه کرده است. از این زاویه، انتخاب مجدد او به ریاست جمهوری رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲ نوید تازه‌ای برای جمهوری آذربایجان است. نتانیاهو این نکته را به‌خوبی می‌داند که جمهوری آذربایجان «کشوری است که به‌عنوان سپر اسرائیل در برابر ایران عمل می‌کند» (Kara, 2022) و در شرایطی که ایران به غنی‌سازی ۶۰ درصد ادامه می‌دهد و این رژیم نمی‌تواند امیدوار به حمله نظامی آمریکا باشد داشتن چنین شریک راهبردی بسیار مفید و سودمند است. به همین خاطر تل‌آویو همه سرمایه‌گذاری‌های سیاسی خود را در قفقاز جنوبی بر روی جمهوری آذربایجان متمرکز کرده است. تصور اینکه در شرایطی که ایران و جمهوری آذربایجان فاقد روابط دیپلماتیک گرم و دوستانه هستند، دو رژیم علیه تهران دست به همکاری نظامی-امنیتی جدید زنند، دور از ذهن نیست. ایوب کارا، سیاستمدار و عضو کنست رژیم صهیونیستی در این خصوص می‌نویسد «اکنون این سرخوشی در جمهوری آذربایجان وجود دارد که ایران تجزیه خواهد شد و یک جمهوری آذربایجان کامل شکل خواهد گرفت. من فکر می‌کنم اسرائیل منافعی دارد که مناطق ترک‌نشین و هر جا که به زبان ترکی صحبت می‌کنند، با ما متحد شوند. ایجاد جمهوری آذربایجان جنوبی مستقل از اهمیت حیاتی برخوردار است، زیرا به درهم شکستن نظام سیاسی ایران و به ارمغان آوردن

صلح و رفاه برای منطقه کمک خواهد کرد. گام دیگری که نتانیاهو باید بردارد، ادامه بهبود روابط با ترکیه است» (Kara, 2022).

این اظهارات نشان می‌دهد که محور فعالیت‌های امنیتی و نظامی دو رژیم صرفاً مهار برنامه هسته‌ای و یا توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران نیست و فراتر از آن به تغییر نظام سیاسی در تهران می‌اندیشند. این رخدادها در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که باکو و تهران از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ روابط عمدتاً مثبتی را پشت سر گذاشته‌اند و حتی در دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی در پروژه سوآپ گازی ترکمنستان به این کشور همکاری جدیدی را آغاز کرده‌اند. حتی باید گفت در خصوص بحران قره‌باغ سیاست‌های ایران طی سال‌های گذشته شاهد چرخش به سمت جمهوری آذربایجان بوده است. تا پیش از بحران قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ جمهوری اسلامی تلاش می‌نمود مواضع نسبتاً بی‌طرفی در مورد مشکلات بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان اتخاذ کند اما در بحران اخیر قره‌باغ مقامات سیاسی و مذهبی تهران از حق جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری سرزمین‌های سابق خود دفاع کردند (Mamedov, 2020) و از آمادگی برای کمک به جمهوری آذربایجان در بازسازی مناطق آزادشده خبر دادند (Caspian News, 2021). شاید بتوان گفت آنچه پس از بحران فوق‌الذکر ایران را شگفت‌زده کرد، افزایش سقف خواسته‌های جمهوری آذربایجان و طرح تصرف دالان زنگزور و اتصال سرزمین جمهوری آذربایجان به نخجوان بود که عملاً ایران را از همسایگی با ارمنستان محروم می‌ساخت. اقدامی که واکنش تند ایران نسبت به تغییر مرزهای بین‌المللی و برگزاری رزمایش نظامی در جوار رود ارس را به همراه آورد. این رخداد و حادثه حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران زمینه‌ای گردید تا دو طرف وارد دور تازه‌ای از سردی روابط گردند.

همچنین جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری که اکثریت جمعیت آن را مسلمان شیعه تشکیل می‌دهند و دولت سیاست‌های سکولار را دنبال می‌کند به‌شدت درباره نفوذ مذهبی جمهوری اسلامی در میان شیعیان خود سوءظن دارد (Cafiero, 2021) دستگیری هفت شهروند جمهوری آذربایجانی (کارمندان سایت سلام نیوز و اینتر آذ) به اتهام جاسوسی برای ایران در ۱۱ بهمن ۱۴۰۱ و بافاصله کمی پس از دستگیری ۱۷ شهروند دیگر به اتهام عضویت در «یک گروه مسلح غیرقانونی سازمان‌دهی شده از سوی ایران در خاک جمهوری آذربایجان!» در همین راستا قابل تحلیل است. این دست اقدامات و تعطیلی زود هنگام سفارت در تهران (۹ بهمن ۱۴۰۱)، آن‌هم در شرایطی که واکنش ایران به حادثه حمله به سفارت

جمهوری آذربایجان فراتر از عرف دیپلماتیک بود؛ نشان از آن دارد که تحلیل مقامات جمهوری آذربایجانی از تحولات ایران درست نیست و تا حد زیادی تحت تأثیر رژیم صهیونیستی اتخاذ می‌گردد.

آنچه می‌تواند این روابط را از آنچه هست وخیم‌تر سازد اظهارنظرهای مقامات جمهوری آذربایجانی در خصوص جمهوری آذربایجان بزرگ و بحث‌های قومی است که طی چند سال گذشته شدت گرفته است. هرچند که برخی سیاستمداران اروپایی همچون الدار محمداف، عضو هیئت مجلس اروپا در روابط با ایران، می‌کوشند نشان دهند الهام علی‌اف، به‌اندازه پدرش دغدغه‌های پان‌ترکیستی ندارد، اما اظهارنظرهای الهام علی‌اف خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. به گفته محمداف «علی‌اف برخلاف سلف خود در اوایل دهه ۱۹۹۰، یک پان‌ترکیسم ایدئولوگ نیست و به نظر می‌رسد جاه‌طلبی‌های وی تنها محدود به بازگرداندن سرزمین‌های جمهوری آذربایجان طبق مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی باشد. به عبارت دیگر، قره‌باغ، به‌جای تبریز (شهر اصلی جمهوری آذربایجان ایران)، اولویت علی‌اف است» (Mamedov, 2020, 24 November). در چنین شرایطی که دو همسایه شیعی روابط سردی را تجربه می‌کنند، نزدیکی بیشتر جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی می‌تواند حاوی پیام‌های منفی برای ایران باشد. به‌ویژه اینکه ایران، از فرصت‌طلبی مقامات رژیم صهیونیستی برای ایجاد تنش در روابط تهران و همسایگانش به‌خوبی آگاه هستند و این دست همکاری‌ها را بر ضد خود تلقی می‌کنند.

سیاست‌های ایران در غرب آسیا طی چهار دهه گذشته در جهت تضعیف و نابودی رژیم صهیونیستی بوده است و مقامات تهران از بیان این سیاست به‌صورت علنی هیچ‌گاه پرهیز نکرده‌اند. بنابراین رژیم صهیونیستی از حضور ایران در نزدیکی مرزهایش به‌ویژه در سوریه احساس ناامنی و خطر می‌کند. به همین خاطر برخی تحلیل‌گران براین باورند که این سیاست‌های خود ایران است که در وهله اول نقش مهمی در نزدیک کردن جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی ایفا کرده است (Javedanfar, 2021). استراتژی رژیم صهیونیستی برای مقابله با این تهدید در گذشته بر گسترش بازدارندگی و تضعیف محور مقاومت مبتنی بود اما این کشور طی یک دهه گذشته و درست مشابه ایران درصدد یافتن عمق استراتژیک برای خود برآمده است. علت روی آوردن به این سیاست جغرافیایی این است که توان هسته‌ای رژیم صهیونیستی در پیشگیری از اقدام نظامی علیه این رژیم بازدارندگی کمی ایجاد کرده و در جنگ‌های متعارف همچون جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه نیز

موفقیتی حاصل نکرده است. مسئولان تل آویو آگاه‌اند که رژیم صهیونیستی برای درگیر شدن در یک جنگ تمام‌عیار، محدودیت‌هایی زیادی دارد. یکی از این محدودیت‌ها فقدان عمق استراتژیک است. فقدان این عمق استراتژیک از طریق نزدیک‌تر شدن به جمهوری آذربایجان قابل جبران خواهد بود.

عوامل متعددی در انتخاب جمهوری آذربایجان توسط رژیم صهیونیستی برای عملیاتی کردن راهبرد امنیتی خود در برابر ایران دخیل هستند. نخستین و مهم‌ترین عامل موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان به دلیل قرار گرفتن در منطقه قفقاز جنوبی در شمال ایران و داشتن مرز آبی و خاکی ۷۵۹ کیلومتری با ایران است. از دیگر موارد، می‌توان به سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان اشاره کرد که دلایل مختلفی از جمله حذف ایران از کنسرسیوم نفتی جمهوری آذربایجان و مسائل مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، نزدیکی جمهوری آذربایجان به غرب، سیاست‌های قوم‌گرایانه جمهوری آذربایجان، سیاست‌های مذهبی ایران و مناقشه قره‌باغ اشاره کرد (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۲۷). در سوی دیگر جمهوری آذربایجان رژیم صهیونیستی را کلید توسعه روابط با آمریکا می‌داند و انتظار دارد از طریق رژیم صهیونیستی فشار لابی‌های ارمنستان در کنگره آمریکا را مهار نماید (Delanoë, 2020).

اولین پیامد گسترش روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی شروع دور تازه‌ای از جنگ‌های در سایه ایران و رژیم صهیونیستی با یکدیگر در این کشور خواهد بود. ایران و رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۰ درگیر جنگی مخفیانه و در سایه علیه همدیگر بوده‌اند. این جنگ‌ها شامل حملات تلافی‌جویانه از طریق زمین، دریا و هوا، حملات سایبری، جنگ نیابتی، حملات هواپیماهای بدون سرنشین و حتی استفاده از هوش مصنوعی بوده است. این درگیری در بیش از ده کشور از جمله لبنان، سوریه، عراق، بلغارستان، ترکیه، قبرس، هند، گرجستان، سودان و تایلند جریان داشته است (Pereira, 2021) از آنجاکه ترکیه، دیگر کشور ترک‌زبان منطقه نیز با رژیم صهیونیستی روابط گسترده‌ای دارد، تهران نزدیکی باکو به رژیم صهیونیستی را در راستای تشکیل و تقویت محور تل آویو- باکو- آنکارا تلقی و از آن احساس خطر خواهد کرد. حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، اگرچه به‌زعم مقامات جمهوری آذربایجانی برای برقراری توازن منطقه‌ای است اما ایران معنای دیگری از آن برداشت می‌کند. پیش‌تر، وفا قلی زاده، مشاور وقت رئیس‌جمهور آذربایجان گفته بود «جمهوری آذربایجان باید برای دفاع از خود مثلث باکو- آنکارا - تل آویو را در برابر مثلث تهران- ایروان- مسکو سازمان‌دهی کند» (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۹) اما این سخنان با

شرایطی که ایران در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ جانب جمهوری آذربایجان را گرفت، سازگار نیست. به‌طور کلی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی امنیت ملی ایران را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از:

تقویت حضور نیروهای ناتو در قفقاز جنوبی؛ ایجاد و گسترش پایگاه‌های شنود در منطقه به‌خصوص در مجاورت مرزهای ایران؛ افزایش حضور کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی در قفقاز؛ تضعیف روابط شیعیان دو سوی مرز؛ دامن زدن به اختلافات بین دو ملت به‌ویژه استان‌های مرزی هم‌زبان با جمهوری آذربایجان؛ گسترش روابط فرهنگی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه و شروع تبلیغات منفی علیه ایران؛ همکاری‌های گسترده در صنایع مخابراتی-ارتباطی، زیربنایی و نفت در منطقه در جهت ضربه زدن به منافع ایران، تقویت استراتژی غرب و راهبردهایی نظیر همه‌چیز در منطقه بدون حضور ایران (الهی نیا و حمزه، ۱۴۰۱: ۶۷-۶۶)؛ اجرای سیاست‌های منزو‌سازی ایران در راستای راهبرد امنیتی ایالات‌متحده؛ تقویت واگرایی در جهان اسلام و تشیع؛ کاهش همکاری‌های ایران با جمهوری آذربایجان در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی؛ افزایش همکاری‌های امنیتی - نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه و؛ تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک ایران در قفقاز جنوبی و خطوط انرژی.

نتیجه‌گیری

اگرچه روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی رخدادی جدید نیست، اما بازگشایی اولین سفارت یک کشور شیعی در رژیم صهیونیستی که در بهمن ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، امری بی‌سابقه و جدید است. این رخداد را در کنار عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و پس از توافق صلح ابراهیم در سال ۲۰۲۰ باید تحلیل نمود. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی اکنون از استراتژی بن‌گوریون که در آن بر توسعه روابط با حلقه دوم همسایگان و رهایی از انزوای سیاسی تأکید می‌شد، گذر کرده و اهداف کلان و جدیدتری را دنبال می‌کند. این هدف بیش از هر چیز بر رفع نیازهای امنیتی این رژیم متمرکز است. رژیم صهیونیستی سرزمینی فاقد عمق استراتژیک است و در صورت وقوع جنگی متعارف و گسترده به‌شدت آسیب‌پذیر است. اگرچه جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ این

رژیم با اعراب توانست تا حدی این ضعف جغرافیایی را کاهش دهد اما همچنان تل‌آویو در برابر هر خطری از مرزهای شرقی و غربی خود احساس خطر می‌کند.

با توجه به اینکه ایران تنها کشوری است که حق حیات رژیم صهیونیستی را انکار نموده و از نابودی این رژیم طی چهار دهه گذشته سخن گفته است محور همه برنامه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی این رژیم بر مقابله با ایران متمرکز است. در جبهه سیاسی این فعالیت‌ها بر اهریمن سازی تهران در انظار بین‌المللی، حفظ فشار سیاسی بر ایران در پرونده هسته‌ای، موشکی و حقوق بشر و طرح اتهامات واهی در خصوص اقدام برای بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه و نشر تروریسم استوار شده است. هم‌راستا با جبهه سیاسی، در جبهه نظامی این رژیم کوشیده است ناکارآمدی استراتژی بازدارندگی خود را از طریق گسترش جغرافیایی دایره متحدان و به دست آوردن امتیازات نظامی جبران سازد. برای این منظور رژیم صهیونیستی درصدد ایجاد و گسترش عمق استراتژیک در مناطق پیرامونی ایران به‌ویژه جمهوری آذربایجان برآمده است. این حضور می‌تواند بسیاری از ضعف‌های نظامی رژیم صهیونیستی را پوشش داده و دست این رژیم برای ضربه زدن به ایران را باز نماید. قرار داشتن جمهوری آذربایجان در وضعیت سیاسی اتحاد با غرب و رفع نگرانی‌های امنیتی - نظامی این کشور از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا موجب گردیده تا باکو از نزدیکی بیشتر به رژیم صهیونیستی و دوری از ایران ابایی نداشته باشد. توسعه روابط باکو-تل‌آویو و تبدیل شدن این کشور به پایگاهی برای رژیم صهیونیستی جهت ضربه زدن به منافع ایران علاوه بر اینکه می‌تواند بر آینده روابط دو همسایه تأثیر منفی گذارد؛ این کشور را به محل جدید جنگ در سایه ایران و رژیم صهیونیستی تبدیل خواهد کرد. به نظر می‌رسد دو طرف نیاز دارند صرف‌نظر از گفتگوهای سیاسی برای کاهش سطح تنش‌ها، گفتگوهای امنیتی را نیز در دستور کار آینده خود قرار دهند و در این گفتگوها ابعاد هرگونه تغییر مرزهای بین‌المللی و نیز لانه گزینی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان برای مقامات باکو تبیین گردد.

منابع و مأخذ

فارسی

اکبری، حسین؛ غنی زاده، پیمان (۱۳۹۹)، «روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۶۸-۱۴۲.

امیدی، علی؛ خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، **مطالعات راهبردی**، شماره ۷۳، صص ۱۵۸-۱۳۷.

الهی نیا، میلاد؛ حمزه، فرهاد (۱۴۰۱)، «نقش آمریکا و اسرائیل در کاهش روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه دانش تفسیر سیاسی**، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۷۲-۴۹.

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۶/۱۳)، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27356>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۵/۶)، بیانات در دیدار با دانشجویان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23346>

باقری، محسن؛ امیدی، علی؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۴۰۰)، تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۹۲-۶۵.

جوان پور هروی، عزیز؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۱۳۹۱-۲۰۱۷)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۰-۸۳.

جعفری، سید اصغر (۱۳۹۹)، تجربه تاریخی جمهوری اسلامی ایران در طراحی‌های امنیت خارجی با تأکید بر مفاهیم مورد نظر مقام معظم رهبری، **دو فصلنامه جستارهای انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۳۸.

خدیمی، مسعود؛ کاظمی، علیرضا؛ هادی، سمانه (۱۳۹۹)، سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا سال ۲۰۲۰ با استناد به مدل راهبردی دیوید، **فصلنامه دانش تفسیر سیاسی**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۱۳-۸۰.

مؤمنی، مجید رضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶)، تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۳۱-۴۱۵.

لاتین

- Abu Amer, Adnan (2022), "Israel is Facing More Threats but is Less Prepared for Tthem", **Middle East Monitor**, April 21, <https://www.middleeastmonitor.com/20220421-israel-is-facing-more-threats-but-is-less-prepared-for-them/>
- Baniya, Sudesh (2023), "Two-state solution losing grounds in Israel and Palestine even before terror attacks, surveys show", <https://www.euronews.com/2023/10/15/two-state-solution-losing-grounds-in-israel-and-palestine-even-before-terror-attacks-surve>
- Bhattacharjee, Dhruvajyoti (2017), "Israel and Azerbaijan Relation: A Strategic Compulsion", **Indian Council of World Affairs**, January 4, https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=5042&lid=771
- Ben Horin, Yoav; Posen, Barry (1981), "Israel Strategic Doctrine", **The Rand Corporation**, file:///C:/Users/persianRK/Desktop/R2845.pdf
- Cafiero, Giorgio (2021), "Iran's Challenges in the South Caucasus Include Israel and Turkey", **Inside Arabia**, October 27, <https://insidearabia.com/irans-challenges-in-the-south-caucasus-include-israel-and-turkey/>

- Caspian News** (2021), "President Aliyev Welcomes Iran's Offer to Join Activities to Rebuild Liberated Azerbaijani Lands", January 25, <https://caspiannews.com/news-detail/president-aliyev-welcomes-irans-offer-to-join-activities-to-rebuild-liberated-azerbaijani-lands-2021-1-28-0>
- Caspian Weekly** (2008), "Azerbaijan-Israel Relation", October 12, <http://www.Caspianweekly.org>
- Cline, Ericc H. (2005), *Jerusalem Besieged: From Ancient Canaan to Modern Israel*, Michigan: **University of Michigan Press**.
- Cropsey, Seth (2014), "Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy", **The Hudson Institute**, February 20, <https://www.hudson.org/national-security-defense/strategic-depth-israel-s-maritime-strategy>
- Delanoe, Igor (2020), "**Israel – Azerbaijan: An Alliance in Search of Renewal**", <https://fmes-france.org/israel-azerbaijan-an-alliance-in-search-of-renewal/>
- Eurasianet. (2022), "**After War Victory, Azerbaijan Keeps Increasing Military Spending**", <https://eurasianet.org/after-war-victory-azerbaijan-keeps-increasing-military-spending>
- Even, Shmuel; Granit, Amos (2009), *The Israeli Intelligence Community: Wher to?* **Tel Aviv: Institute for National Security Studies**.
- Freilich, Charles D. (2018), *Israel's Classic Defense Doctrine*, Israeli National Security: A New Strategy for an Era of Change, **New York: Oxford Academic**.
- Giles, Gregory F. (2023), "Continuity and Change in Israel's Strategic Culture", **Defense Threat Reduction Agency**, Comparative Strategic Cultures Curriculum, <https://irp.fas.org/agency/dod/dtra/israel.pdf>
- Grove, Thomas (2012), "Azerbaijan Eyes Aiding Israel against Iran", **Reuters**, September 30, <https://www.reuters.com/article/cnews-us-iran-israel-azerbaijan-idCABRE88T05 L20120930>
- Haaretz (2012), "**Azerbaijan Granted Israel Access to Air Bases on Iran Border**", March 29, <https://www.haaretz.com/1.5209546>
- Haaretz (2023), "**92 Flights from Israeli Base Reveal Arms Exports to Azerbaijan**", March 6, <https://www.haaretz.com/israel-news/security-aviation/2023-03-06/ty-article-magazine/92-flights-from-israeli-base-reveal-arms-exports-to-azerbaijan/00000185-fd3d-d96e-adeff3dc38e0000>
- Handel, Michael I. (1973), *Israel's Political-Military Doctrine*, Harvard: **Harvard University Center for International Affairs**.
- Harkavy, Robert (2001), "Strategic Geography and the Greater Middle East", **Naval War College Review**, Vol. 54, No.4, pp.1-8.
- Harkham, Ariel (2015), "Deterring Iran the day after the deal", **The Jerusalem Post**, August 22, <http://www.jpost.com/Opinion/Deterring-Iran-the-day-after-the-deal-412938>
- Herzog, Michael (2015), "New IDF Strategy Goes Public", **Policy Watch**, The Washington Institute, August 28, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-idf-strategy-goes-public#:~:text=The%20IDF's%20first%20Dever%20public,on%20the%20Iran%20nuclear%20deal.>
- Isa-world. (2018). Retrieved from The Importance of Strategic **Depth**: https://www.isa-world.com/news/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=442&tx_ttnews%5BbackPid%5D=1&cHash=2fab7c50561ded287453afb408a82901
- Ismayilov, Elnur (2013), "Israel and Azerbaijan: The Evolution of a Strategic Partnership", **Israel Journal of Foreign Affairs**, Vol.7, No.1, pp. 69-76.

- Israel Strategic Depth** (1988), <http://www.country-data.com/cgi-bin/query/r-6828.html>
- Jamnews** (2023), "War between Israel and Palestine: which side is Azerbaijan on?", <https://jam-news.net/war-between-israel-and-palestine-which-side-is-azerbaijan-on>
- Javedanfar, Meir (2021), "**Iran's Threats Could Strengthen Azerbaijan-Israel Relations**", <https://www.mei.edu/publications/irans-threats-could-strengthen-azerbaijan-israel-relations>
- Kara, Ayoob (2022), "What Can Baku Expect from Netanyahu's Return to Power?" **Modern Diplomacy**, November 21, <https://modern diplomacy.eu/2022/11/21/what-can-baku-expect-from-netanyahus-return-to-power/>
- Karimli, Ilahm (2022), "**Azerbaijan Ranks High in SIPRI's Military Spending Report**", May 2, <https://caspiannews.com/news-detail/azerbaijan-ranks-high-in-sipri-military-spending-report-2022-4-30-0/>
- Kaye, Dalia Dassa (2023), "Israel's Dangerous Shadow War with Iran Why the Risk of Escalation Is Growing", **Forriegn Affairs**, February 27, <https://www.foreignaffairs.com/israel/israels-dangerous-shadow-war-iran>
- Kucera, Joshua (2012), "New Report Revives Speculation on Azerbaijan-Israel Cooperation against Iran", **EurasiaNet.org**, September 30, <http://www.eurasianet.org/node/65982>
- Lynch, Thomas F.; Saunders, Phillip C. (2020), "Contemporary Great Power Geostrategic Dynamics Relations and Strategies", **National Defense University Press**, No.4, pp. 45-72
- Macrotrends (2021), "**Azerbaijan Military Spending/Defense Budget 1992-2022**" <https://www.macrotrends.net/countries/AZE/azerbaijan/military-spending-defense-budget>
- Mamedov, E. (2020), "**Why is Israel Smiling after Azeri Win in Nagorno-Karabakh?**", November 24, <https://responsiblestatecraft.org/2020/11/24/why-is-israel-smiling-after-azeri-win-in-nagorno-karabakh/>
- Melman, Yossi (2016), "**Why Iran is Angered by Israel Alliance with Azerbaijan**", December 17, <https://www.middleeasteye.net/news/analysis-why-iran-angered-israel-alliance-azerbaijan>
- Maxim, Edwards (2020), "Conflict in Nagorno-Karabakh Raises Scrutiny of Israel's Arms Sales to Azerbaijan", **Global Voices**, November 12, <https://globalvoices.org/2020/11/12/conflict-nagorno-karabakh-raises-scrutiny-israeli-arms-azerbaijan/>
- Mamedov, Eldar (2020, October 9), "Iran's Delicate Balancing Act in the South Caucasus", **Responsible Statecraft**, <https://responsiblestatecraft.org/2020/10/09/irans-delicate-balancing-act-in-the-south-caucasus/>
- Pereira, Andrew (2021), "**Azerbaijan is the New Front in the Expanding Iran-Israel Shadow War**", October 14, <https://www.statecraft.co.in/article/azerbaijan-is-the-new-front-in-the-expanding-iran-israel-shadow-war>
- Pérez, Carlota (2020), "Israel's Game in Azerbaijan: Arms Sales and Reports on Iran", **Atalayar**, October 2, <https://atalayar.com/en/content/israels-game-azerbaijan-arms-sales-and-reports-iran>
- Periodicos (2013), "**The Iran-Israel-Azerbaijan Triangle: Implications on Regional Security**", https://periodicos.uff.br/revista_estudos_politicos/article/view/40296
- Perry, Mark (2012), "Israel's Secret Staging Ground", **Foreign Policy**, March 28, <https://foreignpolicy.com/2012/03/28/israels-secret-staging-ground/>

- Ratelle, Jean-François (2023), "Azerbaijan, Armenia, and Nagorno-Karabagh: The Next Step", <https://www.cips-cepi.ca/2023/10/31/azerbaijan-armenia-and-nagorno-karabagh-the-next-step/>
- Rubin, Michael (2022), "Israel's Embrace of Azerbaijan Erodes Its Moral Standing", **American Enterprise Institute**, September 19, <https://www.aei.org/op-eds/israels-embrace-of-azerbaijan-erodes-its-moral-standing%E2%82%AC%82/>
- Rubin, Michael (2023), "Azerbaijan's Shift to Hamas Shows Its Cynicism", <https://www.aei.org/op-eds/azerbaijans-shift-to-hamas-shows-its-cynicism/>
- Shaffer, Brenda (2022), "Israel's Role in the Second Armenia-Azerbaijan War and Its Implications for the Future", **Central Asia-Caucasus Analyst**, September 9, <https://www.cacianalyst.org/resources/pdf/220912Shaffer.pdf>
- Shokri, Omid (2021), "Azerbaijan-Israel Relations and Iran's National Security Concerns", **Middle East Monitor**, October 16, <https://www.middleeastmonitor.com/20211016-azerbaijan-israel-relations-and-irans-national-security-concerns/>
- Sloame, J. (2022), "Azerbaijan Virtual Jewish History Tour", <https://www.jewishvirtuallibrary.org/azerbaijan-virtual-jewish-history-tour>
- Shuminov Natan, Shuminov (2018), "Israel's Security System: Little Strategic Depth but Profound Strategic Vision", **Russia International Affairs Council**, November 22, <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/israel-s-security-system-little-strategic-depth-but-profound-strategic-vision/>
- Tatarinov, Maj M. (2015), "Israel's Military Doctrine", **Zarubezhnoye Voyennoye Obozrenie**, No. 6, pp. 23–27.